

تبارشناسی کتاب مصباح الشریعه

* پرویز رستگار

** محسن قاسم‌پور

*** کاوس روحی برندق

**** اصغر محمدی

◀ چکیده:

«مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه» کتابی است با مضمون عرفانی و اخلاقی که به امام صادق علیه‌السلام نسب شده است. اگرچه تمامی ابواب کتاب با عبارت «قال الصادق» آغاز می‌شود و این در بدو امر نشانگر آن است که این اثر متعلق به امام صادق علیه‌السلام است؛ اما درستی چنین انتسابی به جهات مختلفی همچون محتوای کتاب و استناد احادیث موجود در آن مورد نقد است. بررسی محتوایی این کتاب بر اساس تحلیل مقایسه‌ای آن با آثار صوفیه، قرائن و علائم فراوانی را آشکار می‌کند که نشان می‌دهد این کتاب شباهت چشمگیری به آثار و موارد صوفیه دارد. این مقاله پس از بیانی اجمالی از پیشینه داوری‌هایی که درباره این کتاب صورت گرفته، خلاصه‌ای توصیفی از مهم‌ترین نسخه‌های خطی کتاب ارائه داده و سپس به بیان نشانه‌ها و قرائن موجود در آن که دال بر صوفیانه بودن کتاب است، می‌پردازد. یادکرد از عرفا و شخصیت‌های موردتوجه صوفیه، به کارگیری اصطلاحات ویژه ادبیات صوفیانه، ساختار و سبک نگارش صوفیانه کتاب از جمله این قرائن و علائم‌اند. این کتاب در برهه‌های مختلف تاریخی موردتوجه عرفا و صوفیان بوده و به دست برخی از ایشان، شروحاتی بر آن نگاشته شده است. به دلیل وجود چنین ادبیات صوفیانه‌ای است که برخی علمای بزرگ همچون، علامه مجلسی این سخنان را منتسب به یکی از شخصیت‌های مهم و موردتوجه صوفیه به نام شقیق بلخی می‌دانند. نوشتار حاضر باهدف تبارشناسی این کتاب، به بررسی این ویژگی‌های متنی مصباح الشریعه می‌پردازد.

◀ کلیدواژه‌ها: مصباح الشریعه، صوفیه، بررسی محتوایی، امام صادق (ع).

*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان/ghasempour@kashanu.ac.ir

***. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس k.roohi@modares.ac.ir/

****. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)/ghoremohajal@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۴

۱- مقدمه

مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه کتابی است که ظاهراً برای اولین بار از سوی سید بن طاووس (عالم و نویسنده قرن هفتم) به عالم اسلام معرفی شده است. (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۹۱ و ۹۲) نویسنده این کتاب هیچ‌گاه مشخص نبوده و بحث درباره نویسنده آن، همواره معرکه آرای بزرگان در قرون بعدی تا زمان ما بوده است؛ اما به جهت آنکه کلیه ابواب این کتاب با عبارت «قال الصادق (ع)» آغاز می‌شود، به‌عنوان یکی از کتب منسوب به امام صادق (ع) شناخته می‌شود. درستی چنین انتسابی توسط برخی پذیرفته و توسط برخی دیگر موردنقد قرار گرفته است. محمدباقر مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۳۲) و شیخ حر عاملی (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۸، ۵۵۰) از جمله بزرگانی هستند که انتساب این کتاب به امام صادق (ع) را مردود می‌دانند. همچنین از بزرگان عرفای متأخر امام خمینی باوجود آنکه از روایات این کتاب - از باب تسامح در ادله سنن - در کتب عرفانی و اخلاقی خود استفاده کرده، اما انتساب قطعی آن را به امام نمی‌پذیرند. (خمینی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۸۱) همچنین از محققین معاصر، دکتر احمد پاکتچی بحثی مفصل در بازشناسی صاحب این کتاب کرده و درنهایت آن را منتسب به یک از صوفیان خراسان مربوط به قرن هفتم می‌داند. (پاکتچی، ۱۳۸۸: ۱۲۳) در مقابل بزرگانی همچون شهید ثانی (برای نمونه: شهید ثانی، ۱۳۷۹: ۱۲۲-۱۳۶)، سیدهاشم بحرانی (بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۲)، فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۶۸ و ۱۰۷) و میرزا حسین نوری (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱، ۲۱۴) انتساب روایات این کتاب را به امام پذیرفته و از روایات آن به فراوانی در آثار خود استفاده کرده‌اند. میرزای نوری در بحث مفصلی که در خاتمه کتاب مستدرک الوسائل دارد، ضمن دفاع از انتساب این کتاب به امام صادق (ع) و سعی در پاسخ به شبهات موجود درباره آن، معتقد است که فضیل بن عیاض روایات مربوط به آن را جمع‌آوری کرده است.

تاکنون تحقیقی جامع که میزان استناد این کتاب را با عرضه محتوای آن به منابع روایی شیعه و سنی مورد بررسی قرار دهد انجام نگرفته است. همچنین در کنار بررسی سندی و بررسی استناد روایات موجود در کتاب، می‌توانیم تحلیل محتوای ادبیات نگارش آن را یکی از مهم‌ترین و دقیق‌ترین روش‌های بررسی فضای فکری حاکم بر این کتاب و یافتن منشأ پیدایش آن بدانیم. این سؤال به‌طور جدی مطرح است که تحلیل متنی و بررسی ویژگی‌های متنی این کتاب، آن را مرتبط با چه منظومه فکری می‌داند؟

محتوای ادبیات متن این کتاب و مقایسه آن با آثار صوفیان مربوط به دوره‌های پیش از قرن هفتم به آشکاری نشان می‌دهد که می‌توانیم این کتاب را از مواردی و آثار مهم صوفیه قلمداد کنیم.

در نوشتار حاضر بر آنیم این ویژگی‌های متنی در کتاب مصباح الشریعه را از ابعاد مختلف آن مورد بررسی قرار دهیم.

۱- نسخه‌شناسی کتاب

کتاب «مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه» از معدود کتاب‌هایی است که علاوه بر اختلاف در نویسنده آن، اختلافات شدیدی نیز در محتوای آن وجود دارد. بررسی نسخ خطی این کتاب، نشان می‌دهد از الفاظ مقدمه کتاب گرفته تا تعداد ابواب و منقولات متن، دارای اختلافات فراوانی است.

در طول تاریخ، در مقام داوری در خصوص درستی یا نادرستی انتساب مصباح الشریعه به امام صادق (ع)، دلایل علما در موارد متعددی مبتنی بر بخش‌هایی از کتاب است که اساساً جزء کتاب نبوده و بعدها به آن افزوده شده است و یا جزء کتاب بوده و به‌عنوان اجزای اضافی فرض شده‌اند. استناد به باب «معرفه الاثمه» برای اثبات شیعی بودن نویسنده مصباح و یا اثبات آنکه این کتاب در جهت ایجاد آشتی میان تشیع و تصوف نگاشته شده و همچنین استناد به برخی بخش‌های این باب

همچون لفظ «اهل الکتابین» برای بیان فضای فکری نویسنده کتاب، از این جمله است (پاکتچی، ۱۳۸۸: ۱۲۹ و ۱۳۱).

بر اساس فهرست واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ۲۳۸ نسخه از این کتاب در ایران موجود است (نسخ مصباح از شماره ۲۵۷۰۹۶ تا ۲۵۷۳۳۴ در این فهرست واره لیست شده است) قدیمی‌ترین این نسخه‌ها که در سال ۷۱۶ ه. ق نگارش شده مربوط به کتابخانه سپهسالار است. (درایتی، ۱۳۸۸: ج ۹، ۶۵۶-۶۶۴) به جز این نسخه که مربوط به قرن هفتم است، مابقی نسخ مربوط به پس از قرن دهم است.

اما بررسی‌های بیشترِ نسخ موجود در جهان، نسخه‌ای قدیمی‌تر از نسخه سپهسالار را نشان می‌دهد که تاریخ نگارش آن مربوط به ۱۲ محرم ۶۵۱ هجری قمری است. این نسخه اکنون در کتابخانه «آمبروزیانا» در رم ایتالیا نگهداری می‌شود. نسخه‌ای دیگر از این کتاب، مربوط به کتابخانه دانشگاه «هاروارد» است که بر اساس تاریخ مندرج بر روی جلد آن، می‌توانیم آن را مربوط به قرن ۹ بدانیم. این نسخه دارای خصوصیات منحصربه‌فردی است؛ ازجمله آنکه در مقدمه، کتاب را از آن شقیق بلخی می‌داند. در ابتدای ابواب صدگانه این نسخه در هیچ‌کدام لفظ «قال الصادق» ذکر نشده و حتی در حدیث مذکور در تتمه باب صدم که در برخی نسخ از امام صادق ع آورده شده است، لفظ «قال الصادق» را ذکر نمی‌کند و به گفتن «قال: کتابُ الله علی اربعه اقسام...» اکتفا می‌کند همچنین باب معرفه الائمه را با باب معرفه الانبیاء ادغام کرده و در ذیل عنوان «معرفه الانبیاء و الائمه» آورده است.

علاوه بر این‌ها دو نسخه از مصباح مربوط به زیدیان یمن در دست است که تاریخ کتابت آن‌ها مربوط به سال‌های ۹۹۶ و ۱۰۳۴ قمری است.

روایت ابن ابی جمهور از روایات مصباح الشریعه در کتاب درراللثالی العمادیة فی الاحادیث الفقہیة بسیار عجیب بوده و با تمامی آنچه در نسخ خطی دیگر آمده متفاوت است.

وی جمله ابتدایی هر باب را متعلق به امام صادق ع دانسته و فقرات بعد را از کلمات علما و عرفا و ... می‌داند. لذا در هر باب ابتدا می‌گوید: قال الصادق (ع) ... و سپس بخش‌های بعدی ابواب را با کلماتی همچون «قال بعض اهل العرفان»، «قال بعض العلماء»، «قال العارف»، «قال بعض اهل المعرفه»، مربوط به غیر معصومین می‌داند.

برای نمونه باب اول (البیان) در این کتاب چنین آمده است:

قال الصادق (ع): «بحر المعرفه يدور على ثلاثة: الخوف والرجاء و الحب فالخوف فرع العلم و اليقين و الحب فرع المعرفه قال بعض العارفين دليل الخوف الهرب عن المعاصي و مخالفه الاوامر ...».

وی در این کتاب، از ابواب مصباح الشریعه بخشی را آورده اما به‌طور گسترده‌ای جملات مصباح را نقل به معنا می‌کند همچنین در موارد متعددی ابواب او، دارای اضافات و کاستی‌ها نسبت به مصباح است.

این نکته نیز قابل ذکر است که باب «معرفه الاثمه» که از ابواب اختلافی مصباح است، در این نسخه ذکر نشده است. کتاب درر اللثالی العمادیه هنوز به چاپ نرسیده است اما دو نسخه خطی از آن به شماره‌های ۶۱۸ و ۴۴ در میان نسخ خطی کتابخانه مجلس موجود است. نسخه ۶۱۸ در قرن ۱۱ و ۱۳ نگارش یافته اما نسخه ۴۴ تاریخ نامعلومی دارد.

نسخه مهم دیگر نسخه مربوط به زیدیان یمن کتابت شده به سال ۱۰۳۴ ه است. در این نسخه نکته‌ای منحصربه‌فرد و مهم درباره پیشینه کتاب مصباح الشریعه آمده که می‌تواند تحلیل‌های مربوط به این کتاب را دچار تحول نماید. بر روی جلد این نسخه، چنین آمده است:

«روی آن الجامع لهذا من كلام جعفر الصادق هو ابوالحسن الشاذلي و ليس كذلك لِأَنِّي وجدت نسخة قديمة كُتبت في أربع مائه سنه و كسور و هذه المده قبل وجود

ابی الحسن الشاذلی رحمه الله فالمشهور ان المصباح المذكور لجعفر بن محمد جامع له قبل وجود الشاذلی».

اینکه به چه دلیلی مصباح الشریعه را به شاذلی منتسب کرده‌اند، روشن نیست؛ اما با تحلیل استناد محتوای مصباح الشریعه درمی‌یابیم جمله معروف «العبودیه جوهره کنهها الربوبیه» که در باب صدم مصباح آمده، در برخی نقل‌ها از ابوالحسن شاذلی وارد شده است. (ابوعبدالله محمد بن ابراهیم نفزی، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۵۰ و ابوالعباس احمد بن عجبیه الحسنی، ۲۰۰۵: ۲۵۷) اگرچه در برخی نقل‌های دیگری نیز این جمله از ابوبکر واسطی (۳۲۰) نقل شده است. (روزبهان بقلی شیرازی، ۲۰۰۸: ج ۳، ۱۷۲). آنچه بر جلد این نسخه زیدی یمنی نوشته شده، حاوی نکات بسیار مهمی است از جمله آنکه نویسنده می‌گوید: نسخه‌ای قدیمی از مصباح را دیده که مربوط به پیش از وجود ابوالحسن شاذلی است. اگر این نقل مورد اعتماد باشد، باید بگوییم از آنجائی که زمان تولد ابوالحسن شاذلی سال ۵۹۳ هـ است، اثبات می‌شود که نسخه‌ای در پیش از این زمان نیز وجود داشته است. این نکته بسیار قابل توجه است چون قدیمی‌ترین ذکری که از مصباح الشریعه وجود دارد مربوط به سید بن طاووس (۶۵۴ هـ ق) است و قدیمی‌ترین نسخه مصباح الشریعه که در کتابخانه آمبروزیانا در ایتالیا است نیز مربوط به سال (۶۵۱ هـ ق) است. حال آنکه این جمله نشان می‌دهد قریب به دو قرن پیش از این تاریخ یعنی در حدود سال چهارصد تا چهارصد و پنجاه نیز مصباح الشریعه وجود داشته است.

۲- ویژگی‌های متنی مصباح

۳-۱- ساختار صوفیانه کتاب

با بررسی ابعاد مختلف کتاب، شباهت‌های چشم‌گیری میان مصباح الشریعه و کتب متصوفه مشاهده می‌شود. این شباهت‌ها را در چند بخش می‌توان بررسی کرد:

۳-۱-۱- نام کتاب:

نام کتاب یعنی «مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه» گویای گرایش‌های خاص نویسنده کتاب در حوزه تصوف است. شریعت و حقیقت از اصطلاحات بسیار مهم در صوفیه به شمار می‌رود که التزام صوفی به این دو، او را از صوفیان دیگر با مشرب‌های دیگر متمایز می‌کند.

این دو اصطلاح، به‌طور شایع در منابع عرفانی مورد بحث قرار گرفته‌اند. (محمود حمدی زقزوق، ۱۴۳۰: ۲۹۴-۳۱۰ و رفیق عجم، ۱۹۹۹: ۴۹۶) در تعریفی ساده، شریعت را به معنای ضرورت التزام به دستورات شارع و دوری از منهیات او و حقیقت را به معنای روح اوامر و نواهی دانسته‌اند که به‌وسیله شریعت وارد شده است و گفته‌اند:

همان‌طور که جسد بدون روح حیاتی ندارد، شریعت نیز بدون حقیقت همین‌طور است و حیاتی برای قلب مؤمن و عارف ندارد. (محمود حمدی زقزوق، ۱۴۳۰: ۲۹۴) صاحب مصباح الشریعه از جمله صوفیانی است که معتقد به ضرورت تلازم میان شریعت و حقیقت است. علاوه بر نام کتاب، محتوای کتاب او نیز بر چنین گرایشی دلالت می‌کند و سخنی مخالف این رویه در آن وجود ندارد.

اصطلاحات شریعت و حقیقت و همچنین مصباح و مفتاح، از اصطلاحاتی هستند که همواره مورد توجه صوفیه بوده‌اند. از این‌رو در میان آثار ایشان به‌کرات به کتاب‌هایی برمی‌خوریم که در نام‌گذاری آن‌ها همچون مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه از این اصطلاحات استفاده شده است. کتاب‌های «حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه» اثر ابو المجد مجدود بن آدم سنایی (۵۳۵ هـ ق)، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه» اثر عزالدین محمود بن علی کاشانی (۷۳۵ هـ ق)، «مفتاح الهدایه و مصباح العنایه» از محمود بن عثمان (قرن ۸ هـ ق)، «أنوار الحقیقه و أطوار الطریقه و أسرار الشریعه» از سید حیدر آملی (قرن ۸ هـ ق) از این جمله‌اند.

۳-۱-۲- فهرست مطالب:

مصباح الشریعه حاوی صد باب در موضوعات عرفانی و اخلاقی است که فهرست آن دارای سبکی خاص است. به طور طبیعی چنین سبکی از تألیف مطالب کتاب، مخصوص دوره‌ی خاص تاریخی است که می‌تواند ما را به فهم دقیق‌تر تاریخ نگارش کتاب یاری کند.

موضوعات عرفانی و اخلاقی از ابتدای پیدایش و بحث در خصوص آن‌ها به طور طبیعی دارای نوعی بساطت بودند و بحث‌های متفح به همراه تدقیق در جوانب آن‌ها و در قالب ابوابی معین باگذشت زمان پدید آمد.

شاید بتوان اولین کسی را که در آثار خود، مباحث اخلاقی و عرفانی را در قالب ابوابی مشخص بیان کرده است، حارث محاسبی (۲۴۳ هـ ق) بدانیم.

وی در کتاب «الرعايه لحقوق الله» به برخی از این موضوعات همچون تقوا، ورع، محاسبه نفس، ریا، عجب، کبر و حسد اشاره می‌کند.

کتاب‌های المسائل و الوصایا نیز از کتاب‌هایی است که در آن‌ها بحث‌های مفصلی عمدتاً در موضوعات اخلاقی به میان آمده است.

وی در کتاب آداب النفوس بیش از دیگر کتب خود به بحث در موضوعات عرفانی و اخلاقی می‌پردازد.

مصباح الشریعه در نحوه تألیف ابواب، شباهت زیادی به آثار حارث محاسبی ندارد چراکه آثار مربوط به این دوره دارای نوعی بساطت هستند که نشان می‌دهد مصباح الشریعه برای دوره‌های بعد از آن است.

پس از حارث محاسبی، ابو زکریا یحیی بن معاذ رازی (۲۵۸ هـ ق) کتابی به نام «جواهرالتصوف» نوشته که برخی از موضوعات اخلاقی و عرفانی را در بیست و پنج باب آورده است. اکثر این ابواب، در عناوینی مشابه در مصباح الشریعه نیز آمده است.

ابونصر سراج طوسی (۳۷۸ هـ ق) در کتاب «اللمع فی التصوف» موضوعات عرفانی و اخلاقی و موضوعات مربوط به آداب را به طور مبسوط آورده است. وی این موضوعات را در چهارده باب (چهارده کتاب) آورده است. بحث‌های کتاب الأحوال و المقامات و الأسوه و الإقتداء برسول الله و کتاب الصحابه و کتاب آداب المتصوفه از ابوابی است که با اکثر ابواب مصباح الشریعه در عنوان مطابقت دارد (سراج طوسی، ۱۹۱۴: ۴۱ و ۹۳ و ۱۱۹)

ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی (۳۸۰ هـ ق) کتاب خود بانام «التعرف لمذهب التصوف» را در هفتادوپنج باب نگاشته و بسیاری از مباحث عرفانی را در آن‌ها مطرح نموده است.

ابوطالب مکی (۳۸۶ هـ ق) نیز در کتاب «قوت القلوب فی معامله المحبوب» به بسیاری از مباحث عرفانی اشاره کرده است.

ابو سعد عبدالملک بن محمد خرگوشی (۴۰۷ هـ ق) در کتاب «تهذیب الاسرار فی اصول التصوف» حدود صد عنوان از مباحث عرفانی و اخلاقی و مباحث مربوط به آداب اهل تصوف را در دوازده جزء آورده است. دور نیست که معتقد باشیم مصباح الشریعه در نحوه تبویب خود، از این اثر و یا آثار پس از آن متأثر بوده باشد.

ابو عبدالرحمن محمد بن حسین سلمی (۴۱۲ هـ ق) از پرکارترین بزرگان صوفیه است که آثار فراوانی منتسب به او است. وی در آثار مختلف خود، موضوعات مربوط به اخلاق و تصوف و آداب را مطرح کرده است. وی در کتاب‌های «درجات المعاملات» و «جوامع آداب الصوفیه»، «المقدمه فی التصوف»، «مسئله درجات الصادقین و سلوک العارفین» بارها و بارها و از جوانب مختلف به بحث درباره این موضوعات پرداخته است.

پس از سلمی، اسماعیل مستملی بخاری (۴۳۴ هـ ق) در کتاب شرح التعرف لمذهب التصوف و ابوالحسن هجویری (۴۶۵ هـ ق) در کتاب کشف المحجوب چنین ابوابی را آورده‌اند.

کتاب الرساله القشیریة از ابوالقاسم عبدالکریم قشیری (۴۶۵ هـ ق) از آثاری است که نحوه تبویب آن شباهت بسیاری به مصباح الشریعه دارد. در باب «ذکر المقامات» حدود پنجاه باب را می‌آورد که اکثر آن‌ها در عنوان با مصباح الشریعه مشترک هستند. عبدالکریم قشیری کتاب مهمی دارد که نام آن «نحوالقلوب» است. وی در این کتاب، الفاظ و اصطلاحات صرف و نحو زبان عربی را با موضوعات اخلاقی و عرفانی تطبیق داده است. گویا او اولین کسی است که به این سبک کتابی نگاشته است. می‌دانیم در مصباح الشریعه بابی است تحت عنوان «باب الاحکام» که آغاز آن چنین است «اعراب القلوب علی اربعة انواع رفع و فتح و خفض و وقف فرغ القلب فی ذکر الله تعالی و فتح القلب فی الرضا عن الله و خفض القلب فی الاشتغال بغير الله...» این باب مصباح الشریعه بسیار شبیه مطلبی است که قشیری در کتاب نحوالقلوب خود آورده است. وی می‌گوید:

نحوالقلوب عجیب / رفع و خفض و نصب - علامه الرفع فیہ / روح و انس و قرب - و احرف الخفض منه / حزن و قبض و حجب (قشیری، ۲۰۰۸: ۱۳۶)

باب التبرر یا المبرز (باب نهم) از ابواب منحصربه‌فرد مصباح الشریعه است. در منابع عرفانی هیچ کتابی که دارای چنین بابی بوده و دارای محتوای مشترکی با این باب باشد، یافت نشد؛ البته در برخی منابع در خصوص آداب رفتن به بیت الخلا ابوابی هست. (غزالی، ۱۴۱۶: ۴۰۷) اما بابی که در آن به برداشت‌هایی عرفانی از این موضوع دست بزنند وجود ندارد. صاحب مصباح در این باب از وجه تسمیه «مستراح» سخن می‌گوید: «مستراح به جهت محل راحتی نفس از سنگینی نجاسات... به این نام نام‌گذاری شده آنگاه از این معنا برداشت‌های عرفانی کرده و می‌گوید

راحتی و آسایش انسان در رها کردن آلودگی‌های دنیا از صفحه نفس است» (جعفر بن محمد، ۱۳۶۰: ۳۹)

به هر حال به جهت نحوه تبویب کتاب، اگرچه مصباح الشریعه شباهت کاملی به هیچ کتابی ندارد، اما بیشترین شباهت را با آثار خرگوشی و سلمی و قشیری دارد.

۳-۲- استفاده از اصطلاحات صوفیه

استفاده از اصطلاحات متصوفه، فضای حاکم بر کل کتاب مصباح الشریعه است به نحوی که با مقایسه آن با کتب دیگر صوفیه شباهت‌های چشمگیری را می‌توان در به کارگیری این اصطلاحات مشاهده کرد. این شباهت تا اندازه‌ای است که صوفی بودن نویسنده مصباح را به طور کامل اثبات می‌نماید. این نکته‌ای است که با استناد به آن، علامه مجلسی انتساب کتاب به امام صادق (ع) را مردود می‌داند. (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳: ج ۱: ۳۲)

همان‌طور که می‌دانیم مصباح الشریعه، شامل صد باب در آداب و احکام و اخلاق و منازل عرفانی است. از جهتی می‌توانیم تمام ابواب عرفانی و اخلاقی را در عرف صوفیه ردیابی کنیم. علاوه بر این، حتی در ابواب مربوط به احکام و آداب نیز نگاهی عرفانی و صوفیانه حاکم است. به طور مثال از مفاهیمی همچون طهارت، خروج از منزل، مسواک زدن و حتی «مبرز» که از جمله آداب هستند با رویکردی کاملاً عرفانی استفاده شده است شاید اوج چنین رویکردی در مورد باب مبرز باشد که از لفظ مستراح و اعمال آن در جهت استفاده‌های عرفانی استفاده شده است. (جعفر بن محمد، ۱۳۶۰: ۳۹)

در حوزه احکام نیز مشاهده می‌کنیم، در ابوابی همچون حج، زکات و تشهد و سلام و ... نیز بدون پرداختن به مسائل فقهی و احکامی، صرفاً استفاده عرفانی صورت گرفته است. (جعفر بن محمد، ۱۳۶۰: ۸۶ و ۹۷)

اما در حوزه مسائل عرفانی و اخلاقی می‌توانیم عموم ابواب مصباح را مطابق آنچه صوفیه در آثار خود آورده‌اند، بدانیم. از این جهت تمامی این اصطلاحات را باید اصطلاحاتی صوفیانه و عرفانی بدانیم.

اصطلاحاتی همچون، عزلت، صحت، راحت، زهد، اقتداء، صدق، توکل، وقت، حال، اصل و اصول، میدان، رضا، رعایت، معامله، حزن، شوق و رضایت اگرچه عموماً از بعد کارکرد لفظی چه‌بسا در احادیث دینی نیز وارد شده باشند؛ اما در عرف صوفیه همگی دارای تعریفی خاص و مخصوص به خود هستند که در مصباح الشریعه نیز در همین معانی استفاده شده‌اند. این اصطلاحات در عرف صوفیه تعریف شده‌اند که با مراجعه به کتب مرجع می‌توان تعریف آن‌ها را مشاهده نمود.^۱ در این میان، اصطلاحاتی نیز وجود دارند که به‌کارگیری و استعمال آن‌ها منحصر به صوفیه است؛ و پیدایش آن‌ها در میان صوفیه در برخی موارد به زمان‌هایی متأخر از زمان امام صادق (ع) و بلکه ائمه (ع) بازمی‌گردد. در این مجال به بررسی برخی از این اصطلاحات می‌پردازیم:

۳-۲-۱- شریعت و حقیقت:

این دو اصطلاح که هم در نام کتاب آمده و هم در متن کتاب ذکر شده، از اصطلاحات مهم در میان صوفیه است که ضرورت التزام یا عدم التزام به آن دو باعث به وجود آمدن دو جریان و نگرش مهم در میان صوفیه شده است.

بزرگان صوفیه در التزام یا عدم التزام به این دو، به دودسته تقسیم می‌شوند:

۱. گروهی که معتقد به ضرورت تلازم میان شریعت و حقیقت در اعتقاد و سلوک علمی و عملی هستند. ایشان شریعت را بدون حقیقت، نفاق می‌دانند و حقیقت بدون شریعت را کفر و الحاد می‌شمارند و معتقدند حتماً باید میان این دین همانند روح و جسم جمع نمود. جنید، تستری، سلمی، قشیری و غزالی و

بسیاری عرفای دیگر در این دسته قرار می‌گیرند. (محمود حمدی زقزوق، ۱۴۳۰: ۲۹۴)

۲. گروهی که معتقدند شریعت برای خطاب عوام از مردم و اهل ظاهر از فقها آمده است. از جمله این دسته می‌توان به بایزید بسطامی و تلمسانی و ابن عربی و حلاج اشاره کرد. (همان: ۲۹۷ و ۲۹۸)

به‌رحال صاحب مصباح الشریعه از صوفیه دسته اول است که معتقد به ضرورت تلازم میان شریعت و حقیقت است. علاوه بر نام کتاب، محتوای کتاب او نیز بر چنین گرایشی دلالت می‌کند و سخنی مخالف این رویه در آن وجود ندارد.

۳-۲-۲- معاملیه:

این اصطلاح با مشتقات آن ۱۵ بار در مصباح الشریعه تکرار شده است (مانند باب ۱۸، ۳۴، ۴۹، ۱۰۰)

«معاملات» در تصوف اصطلاحی است به معنای مجموع اعمال طریقت. می‌دانیم که صوفیه به اجماع معتقد و متعهد به اتباع از شریعت و حفظ ظواهر و شعائر دین‌اند و برآنند که افعال و طاعات نه فقط با ظاهر شرع که با روح و حقیقت آن نیز باید تطابق داشته باشد؛ ولی فراتر از این می‌گویند که فقه دین فقط احکام ظاهر نیست و شامل احکام باطن نیز می‌شود؛ و این احکام باطن مسائل سلوک و شرح مقامات و منازل طریق است که «معاملات» خوانده می‌شود، مانند زهد و اخلاص و توکل و خوف و رجاء و ... و برخلاف علم به احکام ظاهر که فرض کفایه است و در آن تقلید رواست، معرفت به احکام باطن که سالک هیچ لحظه‌ای از آن‌ها بی‌نیاز نیست فرض عین است. در کتب جامع و معروف تصوف (مانند الفتوحات المکیه) نیز به دنبال ابوابی که در عبادات و احکام ظاهری فقهی است،

ابوابی در احکام باطنی است و شرح توبه و زهد و صدق و اخلاص ... که به همگی عنوان «معاملات» داده شده است (ابن عربی، بی تا: ج ۱، ۱۴) کلاباذی در التعرف بابی به «مجاهدات و معاملات» اختصاص داده است و در آن به ذکر اسرار عبادات و اعمال پرداخته است (کلاباذی، ۱۹۳۳: ۱۴۱-۱۴۰) و در فصل چهارم آن کتاب نام کسانی را که در «معاملات» تألیفاتی داشته‌اند ذکر کرده است (کلاباذی، ۱۹۳۳: ۳۲-۳۵).

اصطلاح معامله درواقع در عرف صوفیه به کیفیت تعامل عارف نسبت به خود و خدای متعال و بندگان و ... اطلاق می‌شود. در مصباح الشریعه در باب صدم اصول و مبانی این معاملات را در چهار وجه می‌آورد: معامله الله، معامله النفس، معامله الخلق و معامله الدنيا (جعفر بن محمد، ۱۳۶۰: ۴۵۵)

آنگاه برای هرکدام از این بخش‌ها هفت اصل ذکر می‌کند. چنین تقسیم‌بندی در خصوص معاملات، در کتب عرفانی دیگر پیشینه‌ای ندارد و گویا منحصر در مصباح الشریعه است.

بکارگیری این اصطلاح در بسیاری از آثار صوفیه شایع است و علاوه بر متن این آثار، در نام گذاری بسیاری از آنها نیز از این اصطلاح استفاده شده است. ابوبکر کلاباذی (۳۸۰ هـ ق) در کتاب التعرف لمذهب التصوف یازده نفر از اعلام صوفیه را نام می‌برد که در موضوع معاملات تألیف داشته‌اند. حارث محاسبی (۲۴۳ هـ ق)، یحیی بن معاذ رازی (۲۵۸ هـ ق) حکیم ترمذی (۳۲۰ هـ ق) از این جمله‌اند. (کلاباذی ۱۹۳۳: ۱۲)

ابوطالب مکی (۳۸۶ هـ ق) کتابی دارد به نام «قوت القلوب فی معامله المحبوب»؛ این کتاب علاوه بر آنکه به موضوعات عرفانی صوفیه پرداخته، در

برخی فصول به اعمال عبادی از جمله نمازهای مربوط به ذکر نمازهای ایام هفته و نماز شب و ... اشاره کرده است (ابوطالب مکی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۱۰-۵۰)

در میان آثار غزالی نیز اثری به نام «اسرار معاملات الدین» به چشم می‌خورد اگرچه در صحت انتساب این کتاب به او تردید وجود دارد. (کاشانی، عبد الرزاق ۱۳۸۰: ۲۰۴)

علاوه بر این‌ها در میان کتب نه گانه منتسب به عبدالرحمن سلمی (۴۱۲ هـ ق) کتابی بانام درجات المعاملات به چشم می‌خورد.

حارث محاسبی (۲۴۳ هـ ق) در کتاب الرعایه لحقوق الله از لفظ «معامله» استفاده می‌کند (المحاسبی، ۱۴۲۰: ۵۲۲) در آثار دیگر همچون «المسائل فی اعمال القلوب و الجوارح» (در صفحات ۵۴ و ۸۰ و ۸۱) و «القصد و الرجوع الی الله» (در صفحات ۲۳ و ۲۵۷ و ۲۵۹) و «آداب النفوس» (در صفحات ۳۱ و ۷۸ و ۱۳۸) نیز از این اصطلاح استفاده کرده است.

۳-۲-۳- رعایه:

باب سوم مصباح الشریعه به این نام نام‌گذاری شده است.

این اصطلاح از اصطلاحات معروف در میان صوفیه است که در معنای مراقبت عارف از عنایات الهی به کار می‌رود. (کاشانی، عبد الرزاق، ۱۴۲۶: ج ۲، ۴۰۴)

حارث محاسبی (۲۴۳ هـ ق) کتاب عرفانی خود را «الرعیه لحقوق الله» نام نهاده و در آن به بحث در موضوعات عرفانی و اخلاقی پرداخته است. گویا وی چنان توسعه‌ی برای این اصطلاح قائل است که تمامی مسائل عرفانی و اخلاقی را در ذیل آن در این کتاب بحث می‌کند.

در کتب صوفیه، این اصطلاح با سه نوع مضاف‌الیه تخصیص یافته و معنای مخصوص به خود را می‌یابد. این سه قید عبارت‌اند از: رعایه الاعمال، رعایه الاحوال و رعایه الاوقات. (رفیق العجم، ۱۹۹۹: ۴۰۶)

پیش‌تر اشاره کردیم که در آثار صوفیه، منازل سلوک به صد منزل تقسیم‌بندی می‌شوند که این صد منزل در ده فصل مجزا قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از: بدایات، ابواب، معاملات، اخلاق، اصول، اودیه، احوال، ولایات، حقایق و نهایات (کاشانی، ۱۴۲۶: ج ۲، ۶۵۷).

اصطلاح «الرعايه» در هرکدام از این ابواب ده‌گانه، معنای خاص خود را پیدا می‌کند که به‌طور مثال در بدایات، به انقیاد به حکم شرع و در اخلاق به تخلق به اعمال اطلاق می‌شود. (کاشانی، ۱۴۲۶: ۱۰۸)

۳-۳- سبک صوفیانه نگارش:

تأمل در سبک نگارش مصباح الشریعه از روش‌هایی است که می‌توانیم از آن برای دریافتن الگوی بیانی مصباح الشریعه و انتساب چنین الگویی به تفکر یا سبکی خاص استفاده نماییم.

الگوهای بیانی متعددی در مصباح الشریعه وجود دارد که این الگوها درمجموع ما را بر آن دارد تا معتقد باشیم این کتاب از موارث صوفیه هست. برخی از این الگوها عبارت‌اند از

– استفاده از لفظ ایراث برای بیان آثار و نتایج اعمال.

– استفاده از لفظ اصل یا اصول برای بیان ریشه اعمال.

– تقسیم‌بندی اعمال و بیان وجوه مختلف آن.

– بیان اسرار نمادین حروف.

– استفاده از لفظ «علامت» و «صفت» برای بیان نشانه یک عمل.

– استفاده از لفظ حقیقت برای بیان حقیقت شیء.

پیش از نام‌بری از موارد استعمال این موارد و یافتن این الگوها در آثار صوفیه تذکر نکاتی لازم است:

نکته اول: مواردی که در خصوص الگوهای بیانی نام بردیم، نمونه‌هایی از الگوهاست که در این مجال برای اثبات اینکه مصباح از موارِیث صوفیه است، کافی است و چه بسا بتوان الگوهای متعدد و فراوان دیگری را نیز نام برده، تحلیل نمود. نکته دوم: ممکن است به این سبک از تحقیق اشکال شود که برخی از این الگوها در بیانات احادیث و روایات اسلامی از پیامبر و اهل بیت (ع) نیز موجود است؛ چرا باید استفاده از این الگوها دلیل بر انتساب این کتاب به صوفیه باشد.

باید توجه داشت درست است که برخی از این موارد همانند استفاده از تقسیم‌بندی در روایات فراوانی آمده و حتی کتاب الخصال صدوق نیز بر چنین سبکی نگاشته شده؛ اما اولاً: برخی از موارد این الگوها مخصوص صوفیه است، همانند بیان نمادین معانی حروف یک کلمه و ثانیاً مجموع این الگوها (و نه تک‌تک آن‌ها) نشانگر صوفی بودن صاحب مصباح است. با بیان برخی موارد و مثال‌های این الگوها و شباهت آن‌ها به بیانات صوفیه، این بحث آشکارتر خواهد شد.

۲-۳-۱- ایراث:

در شش موضع از مصباح الشریعه از لفظ «یورث» برای بیان نتیجه و آثار یک فعل استفاده شده است برای نمونه در باب الخوف و الرجاء چنین آمده:

«... فالثابت من الخوف یورث الرجاء و المعارض منه یورث خوفاً» (امام جعفر بن محمد الصادق، ۱۴۰۰: ۱۸۱) و در باب الاکل چنین می‌گوید «الاکل یورث شیئین قوه القلب و هیجان الشهوه» (همان: ۷۷) و در باب «العبره» چنین می‌گوید: «فالعبره تورث صاحبها ثلاثه اشیاء العلم بما يعمل و العمل بما یعلم و العلم بما لا یعلم» (همان: ۲۰۱).

استفاده از لفظ ایراث برای بیان نتیجه و آثار اعمال، به‌طور شایع در آثار صوفیه مورد استفاده است. از بزرگان صوفیه که در موارد بسیار زیادی در کتب خود از این سبک استفاده کرده، حارث محاسبی (۲۴۳ هـ ق) است. وی در کتاب‌های الرعایه

لحقوق الله (صفحات ۳۴، ۳۲۳۹، ۲۴۰، ۲۵۲، ۲۷۴، ۹۵) و آداب النفوس (ص ۱۰۲)
از این سبک استفاده کرده است. برای نمونه می گوید:

«العلم یورث المخافه و الزهد یورث الراحة و المعرفة تورث النابه» (المحاسبی،
۱۴۲۰: ۳۴)

یحیی بن معاذ رازی در جواهر التصوف (صفحات ۴۳ و ۴۴ و ۱۲۱ و ۱۲۵) و حکیم
ترمذی در ختم الاولیاء (صفحات ۴۶۸ و ۴۷۳ و ۴۸۳) و سراج طوسی (۳۷۸ هـ ق) در
اللمع فی التصوف (صفحات ۵۱ و ۲۳۴ و ۴۱۹) و ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد
البکری (۳۸۰ هـ ق) در الانوار فی علم الاسرار و مقامات الابرار. (صفحات
۱۵ و ۳۲ و ۳۵ و ۵۲ و ۵۶)

و ابوطالب مکی (۳۸۶ هـ ق) در قوت القلوب و ابو سعد خرگوشی (۴۰۷ هـ ق)
در تهذیب الاسرار و سلمی (۴۱۲ هـ ق) در اکثر آثار خود و قشیری (۴۶۵ هـ ق) در
الرساله القشیریة و غزالی (۵۰۵ هـ ق) در احیاء العلوم و بسیاری از بزرگان صوفیه از
کسانی هستند که به کرات از این سبک استفاده کرده اند.

ابوالقاسم بکری چنین می گوید «فالصبر یورث الرضى و الصدق یورث الحیاء و
الشکر یورث مزید المعرفة و الاخلاص یورث المحبه و الخوف یورث الیقین و
الرجاء یورث الشوق». (البکری، ۱۴۲۱: ۳۲)

۳-۲- بیان نمادین معنای حروف:

در مصباح الشریعه در باب صدم در خصوص معانی حروف «ع ب د» در کلمه «عبد»
چنین آمده است:

«حروف العبد ثلاثه العین و الباء و الدال، فالعین علمه بالله و الباء بونه عمن سواه
و الدال دنوه من الله تعالی...»

همچنین در باب هشتاد و ششم در باب التفویض چنین آمده:

«التفویض خمسہ احرف لكل حرف منها حکم فمن اتى باحکامه فقد اتى به؛ التاء من ترک التدبیر فی الدنيا و الفاء من فناء من فناء کل همه غیر الله و الواو من وفاء العهد ... و الیاء الیأس من نفسک ... و الضاد من الضمیر الصافی لله».

استفاده از چنین سبکی در بیان معانی نمادین برای حروف بی شک متأثر از سلیقه و ذوق شخصی گوینده است و چه بسا بتوانیم معانی متعددی دیگری برای همان حروف بیان نماییم.

دو رساله در بیان معانی و اسرار حروف به محیی الدین بن عربی نسبت داده شده است. (ابن عربی، ۱۴۲۶ق)

منهاج العارفین از آثار منسوب به غزالی است و شباهت‌های چشمگیری میان متن آن و مصباح الشریعه وجود دارد؛ که در بخش بعدی به تفصیل درباره آن سخن خواهیم گفت. در این رساله نیز در بیان معنای صوفی از حسن بصری چنین آورده: «... من لیس الصوف ... و جب ان يقوم بوظائف حروفه و هی ثلاثه اما وظيفه الصاد فهی الصدق و الصفاء و الصیانه ... و اما وظيفه الواو فهی الوصله و الوفاء و الوجد و اما وظيفه الفاء فهی الفرح» و چنین معانی را در معنای حروف مرقع می‌آورد. (غزالی، ۱۴۱۶: ۲۲۱)

از ابوبکر وراق از معنای زهد سؤال شد که در پاسخ گفت: زهد ثلاثه أحرف، أما الزای فترک الزینه و أما الهاء فترک الهوی و أما الدال فترک الدنيا. (الخرکوشی ۱۴۲۷: ۵۸ و ۱۰۰)

همچنین ابوعلی جوزجانی در معنای بخل چنین می‌گوید: هو ثلاثه أحرف: الباء و هو البلاء و الخاء و هو الخسران و اللام و هو اللوم، فالبخیل بلاء فی نفسه و خاسر فی سعيه و ملوم فی بخله. (سلمی، ۱۴۲۴: ۱۹۷)

عبدالرحمن سلمی در حقایق التفسیر در معنای حروف «بسم» در بسمله از امام صادق (ع) چنین نقل می‌کند: «بِسْمِ» ثلاثه أحرف: باء و سین و میم. فالباء باب النبوه

و السین سرّ النبوه الذی أسرّ النبی به الی خواصّ أمته و المیم مملکه الدین الذی یعم الأبیض و الأسود. (سلمی، ۱۳۶۹: ۱:۲۱)

همو در جای دیگر می گوید: «اللّه»: انه اسم تام لأنه اربعه أحرف: الالف و هو عمود التوحید و اللام الاول لوح الفهم و اللام الثانی لوح النبوه و الهاء النهایه فی الاشاره. (همان)

محمد بن فضل بلخی در معنای علم می گوید: العلم ثلاثه أحرف: عین و لام و میم، فالعین علم و اللام عمل و المیم مخلص الحقّ فی العمل و العلم. (عطّار نیشابوری، ۱۴۳۰: ۸۲۳)

حکیم ترمذی در بیان تفسیر و معانی حروف کلمه ابلیس چنین می گوید: و أما تفسیر اسمه إبلیس. فإنه خمسہ أحرف، کل حرف منها يدل علی فعله الذی هو فیهِ و یبدأ منه و هو الألف و الباء و اللام و الیاء و السین. فأما الألف فإنه ألف الإباء و الاستکبار، إذ کان إباءه من الاستکبار. كما قال: أبی و استکبرَ و کانَ مِنَ الْکَافِرینَ، فإباءه من الاستکبار و استکباره من الکفر و أما الباء فإنها من الباء حیث برئ من ربه. بترک السجود و أما اللام. فإنه للألم و أما الیاء فإنه یاء لم یکن. یقول لم یکن و أما السین فإنه سین السجود، فإذا اجتمعت الحروف کلها أدى المعنی علی أنه أبی علی ربه و استکبر؛ و لم یکن من الساجدین لأدم مع الملائکه، قال الله تعالى إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ یَكُنْ مِنَ السَّاجِدینَ. (ترمذی، ۱۴۲۲: ۸۳ و ۸۴)

۳-۳-۳- تقسیم

از دیگر الگوهای بیانی مصباح، بیان انواع و فروع یک خصوصیت اخلاقی و یا افعال است. در باب الحیاء آمده است: «الحیاء خمسہ انواع حیاء ذنب و حیاء تقصیر و حیاء کرامه و حیاء حبّ و حیاء هیبه» (امام جعفر بن محمد الصادق، ۱۴۰۰: ۱۹۰). همچنین در جایی دیگر می گوید: أصل الغیبه متنوع بعشره أنواع: شفاء غیظ و مساعده قوم و تهمه و تصدیق خبر بلا کشفه و سوء ظنّ و حسد و سخریّه و تعجّب

و تبرّم و تزین فإن أردت السلامه فاذكر الخالق لا المخلوق فيصير لك مكان الغيبه عبره و مكان الإثم ثوابا. (همان: ۲۰۵) و در باب العزله می گوید: «صاحب العزله ... يحتاج الى عشره خصال علم الحق و الباطل و تحب الفقر اختيار، حياء الاستحقار، حياء الانعام». (همان: ۹۹)

خرگوشی از قول ابوبکر حسین بن علی بن یزدانیار، وجوه حياء را این گونه می آورد:

حياء الجنايه، حياء التقصير، حياء الاجلال، حياء الغيره، حياء الكرم، حياء المعروف، حياء الآفه، حياء التحقيق، حياء الاستحقار، حياء الصيانه و العفه و (خرگوشی، ۱۴۲۷: ۴۰۳ و ۴۰۴)

در تقسیم بندی دیگری حياء را بر سه قسم می آورند: حياء العام و هو من التقصير و حياء الخاص و هو من الاسراف و حياء الاخص و هو من الجلال (رفیق عجم، ۱۹۹۹: ۳۰۹)

از دیگر موارد چنین الگویی سخنان شقیق بلخی است. وی می گوید: «سبعه ابواب يسلك بها طريق الزهاد: الصبر على الجوع. الصبر على العرى ... و الصبر على طول الصيام و ...» (اصبهانی، بی تا: ۸:۶۰)

همچنین می گوید: «لو أنّ رجلاً أقام مائتي سنه لا يعرف هذه الاربعه اشیاء لم ينج من النار ان شاء الله: احدها معرفة الله و الثاني معرفة نفسه و الثالث معرفة امر الله و الرابع معرفة عدو الله و عدو نفسه» (همان: ۶۰)

همچنین می گوید: «من عمل بثلاث خصال اعطاه الله الجنة: اولها معرفة الله و الثاني ان يكون بما في يد الله اوثق مما في يده والثالث يرشى بما قسم الله له ...» (همان: ۶۱)

۳-۳-۴- استفاده از «اصل یا اصول» برای بیان ریشه مفاهیم اخلاقی یا عرفانی

در موارد متعددی در مصباح الشریعه از لفظ اصل یا اصول، برای بیان ریشه مفاهیم اخلاقی یا عرفانی استفاده شده است. (ر.ک: باب‌های علم، رعایه، ریاء، ورع، ذکر، بیان حق و باطل، تواضع و...)

در باب الورع می‌گوید: «اصل الورع دوام محاسبه النفس و صدق المقاوله» (امام جعفر بن محمد الصادق، ۱۴۰۰: ۴۰)

و در باب التواضع می‌گوید: «التواضع اصل کل شرف نفیس و مرتبه رفیع» (همان: ۷۲)

در کلمات حارث محاسبی (۲۴۳ هـ ق) در موارد بسیار زیادی از این سبک استفاده شده است.

وی می‌گوید: «اصل الطاعه الورع و اصل الورع التقوی و اصل التقوی محاسبه النفس و اصل محاسبه النفس الخوف و الرجاء و اصل الخوف و الرجاء معرفه الوعد و الوعيد و اصل ذلك الفكره و العبره». (الاصبهانی، بی تا: ۱۰، ۷۶)

وی همچنین می‌گوید: «اصل المحاسبه الخوف و الرجاء...». (محاسبی، ۱۴۲۰: ۳۸) حاتم اصم می‌گوید: «اصل الطاعه ثلاث اشياء: الخوف و الرجاء و الحب و اصل المعصيه ثلاثه اشياء الكبر و الحرص و الحسد». (سلمی، ۱۴۲۴: ۸۸)

آثار صوفیه در به‌کارگیری این سبک از نگارش به حدی است که احصای آن‌ها مجال وسیعی می‌طلبد.

عبدالرحمن بکری (۳۸۰ هـ ق) می‌گوید: «اصول الرضا ثلاثه و شعبه ثلاثه فاصوله العلم و اليقين و المعرفه و شعبه التفويض و التسليم و ترك الاعتراض و اصول التوكل ثلاثه و شعبه ثلاثه فاصوله الثقه بالله و الاعتماد على الله و الاستعانه بالله و شعبه الجلوس مع الله و انتظار اوقات الله و النظر في الاسباب الجاريه من الله». (بکری ۱۴۲۱: ۱۳ و ۱۴)

همان‌طور که گفتیم الگوهای بیانی متعدد دیگری نیز می‌توان برای مصباح استخراج نمود که در این بخش به بررسی چهار الگو پرداختیم.

۳-۴- ذکر عرفای صوفیه و اصحاب

توجه به عرفا و صحابه‌ای که در فرهنگ و منابع معرفتی صوفیه موردتوجه خاص هستند از محورهای آشکار در کتاب مصباح الشریعه است.

درمجموع در حدود ۲۰ موضع از کتاب مصباح الشریعه اقوال و سخنانی منسوب به ۱۲ تن از این افراد نقل شده است که شامل موارد ذیل است:

۱- ربیع بن خثیم: در پنج جای کتاب (باب‌های ۱۵ و ۲۴ و ۲۷ و ۸۰ و ۹۲)

۲- ابوذر: در چهار جای کتاب (باب‌های ۱۱ و ۲۸ و ۷۸ و ۸۴)

۳- اویس قرنی: در دو جای کتاب (باب‌های ۷۸ و ۸۸)

۴- وهب بن منبه: در دو جای کتاب (باب‌های ۲۸ و ۹۰)

۵- ابوالدرداء: در یک جای کتاب (باب ۲۸)

۶- عبدالله بن مسعود: در یک جای کتاب (باب ۴۲)

۷- کعب الاحبار: در یک جای کتاب (باب ۵۲)

۸- محمد بن حنفیه: در یک جای کتاب (باب ۵۹)

۹- سفیان بن عیینه: در یک جای کتاب (باب ۶۳)

۱۰- زید بن ثابت: در یک جای کتاب (باب ۶۶)

۱۱- ابی بن کعب: در یک جای کتاب (باب ۸۵)

۱۲- احنف بن قیس: یک جای کتاب (باب ۵۷)

توجه به شخصیت‌های صوفیه از عرفا و اصحاب به نام بری از این دوازده شخصیت منحصر نمی‌شود؛ در موارد متعددی از کتاب به سخنانی برمی‌خوریم که اگرچه به گوینده آن‌ها اشاره نشده، اما جستجو در منابع کهن عرفانی، صاحبان این اقوال را مکشوف می‌کند.

در باب ۱۹ از کتاب چنین آمده است: «قال بعض الصحابه لبعضهم انتم تنتظرون المطر بالدعاء و انا انتظر الحجر. این سخن در منهاج العارفين غزالی و دیگر منابع از قول مالک بن دینار نقل شده که خود از شخصیت‌های مهم و مورد توجه صوفیه است.» (غزالی، بی تا: ۵۵۸ و الشعرانی، ۱۴۲۵: ۵۲ و کاشانی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۹۹)

در باب بیست چنین آمده است: «قيل لبعضهم انك ضعيف و ان الصيام يضعفك قال اني اعده بشر يوم طويل. این حکایت نیز در منابع مختلف می آمده که روشن می کند مقصود از «بعضهم» احنف بن قیس است.» (ابن سعد، بی تا، ج ۷، ۹۶ و ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۲۴، ۳۲۳ و زمخشری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۹۷)

در باب ۲۴ چنین آمده: «فر من الناس فرارك من الاسد و الافعى فانهم كانوا دواء فصاروا اليوم داء. در برخی منابع این سخن از ابو سلیمان طایی نقل شده است.» (غزالی، بی تا: ج ۶، ۵۵ و اصبهانی، بی تا: ج ۷، ۳۴۵)

همچنین در باب ۸۱ چنین می گوید: «من خان الله فى السر هتك الله سره فى العلانيه. این جمله به نقل از برخی منابع اهل سنت از حسن بن علی البامعانی نقل شده است.» (سلمی، ۱۳۶۹: ج ۱، ۱۵۹)

در باب ۷۴ روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام با این الفاظ نقل شده است: «الصدق سيف الله فى ارضه و سمائه» این سخن در هیچ منبعی از منابع شیعه و سنی به نقل از ایشان وارد نشده است؛ بلکه در تمامی منابع به نقل از یکی از بزرگ ترین شخصیت های صوفیه به نام ذوالنون مصری وارد شده است. (سلمی، ۱۴۲۴: ۲۳ و سراج طوسی، ۱۹۱۴: ۲۱۷ و خرکوشی ۱۴۲۷: ۱۶۶ و اصبهانی، بی تا: ج ۹، ۳۹۵ و هجویری، ۱۳۷۵: ۱۲۶ و قشیری، ۱۳۷۴: ۳۲۱)

نویسنده مصباح در جاهای دیگری نیز به اقوال ذوالنون مصری توجه داشته است. در باب ۴۷ جمله ای را بدون اسناد به شخصی آورده و می گوید: لا يصير العبد عبدا

خالصا لله تعالى حتى يصير المدح و الذم عنده سواء. این جمله نیز در منابع دیگر از ذوالنون مصری وارد شده است. (عطار نیشابوری، ۱۴۳۰: ۱۷۷)

همچنین در باب ۳۱ مصباح چنین آمده است: لو كانت الدنيا باجمعها لقمه في فم طفل لرحمنه. این جمله نیز در منابع صوفیه از ابوبکر شبلی نقل شده است. (سراج طوسی، ۱۹۱۴: ۱۸۳ و ۴۰۰)

در مجموع، می‌توان سخنان و آثار قریب به ۲۰ نفر شخصیت‌های مورد توجه صوفیه را در مصباح الشریعه شناسایی کرد. این شخصیت‌ها در آثار نویسندگان صوفی مسلک همچون: سلمی، قشیری، خرگوشی، ترمذی، هجویری و غزالی بسیار مورد توجه بود و علاوه بر آن در آثار مربوط به تذکره و تراجم که تاریخ و سرگذشت بزرگان صوفیه را جمع‌آوری کرده‌اند نیز به‌طور مستوفای شرح حال این افراد پرداخته شده است.

۳-۵- همپوشانی ابواب مصباح با منهاج العارفين غزالی

با بررسی اشتراکات لفظی متن مصباح الشریعه با کتب دیگر، به شباهت‌های بسیار چشمگیری میان مصباح الشریعه و رساله‌ای منسوب به غزالی به نام «منهاج العارفين» پی می‌بریم. این رساله مختصر، شامل بیست و هفت باب است که به جز باب هفتم که «باب القيام» است، تمامی بیست و شش باب دیگر با همان عناوین در مصباح الشریعه نیز آمده‌اند. این رساله مقدمه مختصری نیز دارد که در آن به حمد و ثنای الهی و اوصاف عارفان و صلوات بر محمد و آل محمد و اصحاب آن حضرت اشاره شده و هیچ سخنی از انگیزه تألیف یا نام رساله و یا مؤلف آن نیامده است.

همان‌طور که اشاره شد، عناوین بیست و شش باب اول مصباح الشریعه کاملاً مطابق با عناوین ابواب منهاج العارفين است و بیشترین شباهت را به آن دارد. اگرچه هر کدام از دو کتاب در متن ابواب دارای فقرات متعددی هستند که در دیگری نیامده است.

تأمل در اشتراکات دو کتاب نکات مهمی را آشکار می‌کند.

به نظر می‌رسد نتوانیم به‌طور قطع به تقدم یا تأخر مصباح نسبت به منهاج العارفین حکم کنیم اما اگر قائل به این باشیم که مصباح الشریعه بیست‌وشش باب اول را از منهاج العارفین گرفته، باید بگوییم مصباح الشریعه مربوط به دوره‌ای پس از غزالی یعنی قرن ششم یا هفتم است چراکه وفات غزالی به سال ۵۰۵ هـ است؛ اما همان‌طور که گفته شد هیچ دلیلی بر چنین تقدمی وجود ندارد و ممکن است مصباح، در دوره‌ای پیش از غزالی یا در عصر او نوشته شده باشد و غزالی بیست‌وشش باب اول آن را برای نگاشتن رساله خود مورد استفاده قرار داده باشد. فرض آنکه هر دو این کتاب‌ها از کتاب سومی اخذ شده باشند نیز منطقی به نظر نمی‌رسد.

نکته مهم و قابل توجه در این موضوع، عدم انتساب قطعی منهاج العارفین به غزالی است. رساله منهاج العارفین اکنون در ضمن مجموعه‌ای به نام «مجموعه رسائل الامام الغزالی» به چاپ رسیده که علاوه بر رساله منهاج العارفین ۲۴ رساله را نیز شامل می‌شود. این مجموعه در برخی نام‌گذاری‌ها بانام «القصور العوالی من رسائل الامام الغزالی» شناخته می‌شود.

گویا انتساب رساله‌ای به نام منهاج العارفین، به غزالی دارای قطعیتی نیست. درمجموع به نظر می‌رسد وجود رساله منهاج العارفین با توجه به آنچه در احتمال جعلی بودن انتساب آن به غزالی آمده، ما را در شناسایی دوره نگارش مصباح الشریعه یاری نمی‌کند اما نکات دیگری را در بردارد که قابل توجه است.

در هردو فرض تقدم یا تأخر این دو کتاب به همدیگر، می‌توان به قطع چنین نتیجه‌ای گرفت که مصباح الشریعه با توجه به مضامین صوفیانه‌اش بسیار مورد توجه صوفیه بوده است. بخش پایانی رساله منهاج العارفین به روایتی از حسن بصری در بیان معنای صوفیه و اسرار و معانی حروف صاد و واو و فاء (صوف) اشاره می‌کند.

نکته پایانی آنکه، همان‌طور که می‌دانیم تمامی ابواب در مصباح الشریعه با لفظ «قال الصادق (ع)» به امام صادق (ع) منسوب شده‌اند اما بیست‌وشش باب موجود در منهاج العارفین چنین رویکردی ندارند و همگی سخنان نویسنده منهاج هستند.

۴- نتیجه

درمجموع، با صرف‌نظر از اسناد روایات موجود در مصباح الشریعه، آنچه از تمامی اجزای این کتاب می‌توان برداشت کرد آن است که این کتاب بر مسلک و مرام صوفیانه نگاشته شده و از نوشته‌های مهم آن به شمار می‌رود. به‌کارگیری اصطلاحات خاص صوفیه که پیش‌تر در لسان ائمه شیعه کاربردی نداشته و در قرون بعدی برای مفاهیم موردنظر این مسلک وضع شده از این جمله است. علاوه بر این، سبک نگارش موجود در این کتاب حتی نام‌گذاری کتاب و نوع چینش ابواب آن و همچنین نام بردن از صحابه و عرفای موردتوجه صوفیه، همگی حکایت از آن دارد که این کتاب از موارث صوفیه است. توجه بزرگان صوفیه به این کتاب و نگارش شرح بر آن این ظن را تقویت می‌کند.



پی‌نوشت‌ها:

۱- از جمله این کتاب‌ها می‌توان «اصطلاحات الصوفیه» شاذلی (۷۳۰ هـ ق) و «موسوعه مصطلحات التصوف الاسلامی» رفیق عجم را نام برد.



منابع:

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین، (۱۴۰۵ هـ ق)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، قم، چاپ: اول.
- ابن اثیر، ابوالحسن شیبانی، الکامل فی التاریخ، دار صادر للطباعه و النشر.
- ابن سعد، ابوعبدالله، محمد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت.

- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۹ هـ ق) الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان - قم، چاپ: اول.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه الله، (۱۴۱۵ هـ ق)، تاریخ مدینه دمشق، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، لبنان.
- ابن فهد حلی، (۱۴۰۷ هـ ق)، عده الداعی و نجاح الساعی، ۱ جلد، دار الکتاب الاسلامی - بیروت، چاپ: اول.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۸ م)، البدایه و النهایه، دار احیای التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ الاولی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵ ش، ۱۹۶۶ م)، علل الشرائع - قم، چاپ: اول.
- _____، (۱۳۷۸ هـ ق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام - تهران، چاپ: اول.
- _____، (۱۴۰۳ هـ ق)، معانی الأخبار - قم، چاپ: اول.
- _____، (۱۴۱۳ هـ ق)، من لا یحضره الفقیه - قم، چاپ: دوم.
- ابو حامد محمد غزالی، إحياء علوم الدين، ۱۶ جلد، دار الکتاب العربی - بیروت، چاپ: اول.
- _____، (۱۳۸۳ هـ ش)، کیمیای سعادت، ۲ جلد، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - تهران، چاپ: یازدهم.
- _____، (۱۴۱۶ هـ ق)، مجموعه رسائل الإمام الغزالی، ۱ جلد، دار الفکر - بیروت، چاپ: اول.
- ابو سعد عبدالملک بن محمد خرکوشی، (۱۴۲۷ هـ ق)، تهذیب الاسرار فی اصول التصوف، ۱ جلد، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ: اول.
- ابو عبدالرحمن محمد بن الحسین سلمی، (۱۴۲۶ هـ ق)، المقدمه فی التصوف، ۱ جلد، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ: اول.
- _____، (۱۳۶۹ هـ ش)، تاریخ الصوفیه (مجموعه آثار السلمی)، ۳ جلد، مرکز نشر دانشگاهی - تهران، چاپ: اول.
- _____، (۱۴۲۴ هـ ق)، طبقات الصوفیه (السلمی)، ۱ جلد، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ: دوم.
- _____، (۱۳۶۹ هـ ش)، مجموعه آثار السلمی، ۳ جلد، مرکز نشر دانشگاهی - تهران، چاپ: اول.

- ابو نعیم احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ۱۱ جلد، دار ام القراء للطباعة و النشر، قاهره، چاپ: اول، _.
- ابوالحسن علی هجویری، (۱۳۷۵ هـ ش)، کشف المحجوب، ۱ جلد، طهوری - تهران، چاپ: چهارم.
- ابوالقاسم راز شیرازی، (۱۳۶۳ هـ ش)، مناهج أنوار المعرفة فی شرح مصباح الشریعه، ۲ جلد، خانقاه احمدی - تهران، چاپ: دوم.
- ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بکری، (۱۴۲۱ هـ ق)، الانوار فی علم الاسرار و مقامات الابرار، ۱ جلد، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ: اول.
- ابوالقاسم عبدالکریم قشیری، (۱۳۷۴ هـ ش)، الرساله القشیریہ، ۱ جلد، انتشارات بیدار - قم، چاپ: اول.
- _____، (۲۰۰۸ م)، نحو القلوب (قشیری)، ۱ جلد، الهیئه المصریہ العامه للكتاب - قاهره، چاپ: اول.
- ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی، (۱۹۳۳ م)، التعرف لمذهب التصوف، ۱ جلد، مطبعه السعاده - مصر، چاپ: اول.
- ابوطالب مکی، (۱۴۲۴ هـ ق)، علم القلوب، ۱ جلد، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ: اول.
- _____، (۱۴۱۷ هـ ق)، قوت القلوب فی معاملہ المحبوب، ۲ جلد، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ: اول.
- ابوالعباس احمد بن عجبیه الحسنی، (۲۰۰۵ م)، إیقاظ الهمم فی شرح الحکم، ۱ جلد، دار جوامع الکلم - قاهره، چاپ: اول.
- ابو عبدالله محمد بن ابراهیم نفزی، (۱۴۲۸ هـ ق)، غیث المواهب العلیه فی شرح الحکم العطائیه، ۱ جلد، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ: دوم.
- ابونصر سراج طوسی، (۱۹۱۴ م)، اللمع فی التصوف، ۱ جلد، مطبعه بریل - لیدن، چاپ: _.
- احمد بن حنبل، مسند احمد، دار صادر - بیروت - لبنان، بی تا.
- اصبهانی، ابو نعیم احمد بن عبدالله، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ۱۱ جلد، دار ام القراء للطباعة و النشر، قاهره، چاپ: اول، _.
- امام جعفر بن محمد الصادق (ع)، (۱۳۶۹ هـ ش)، تفسیر امام جعفر الصادق (ع) (مجموعه آثار السلمی)، ۳ جلد، مرکز نشر دانشگاهی - تهران، چاپ: اول.

- _____، عبدالرزاق گیلانی، (۱۳۷۳ هـ ش)، مصباح الشریعه (ترجمه و شرح گیلانی)، مقدمه و تعلیقه سید جلال الدین محدث ارموی، نشر صدوق، چاپ: چهارم.
- امام جعفر بن محمد الصادق (ع)، (۱۴۰۰ هـ ق)، مصباح الشریعه، ۱ جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بیروت، چاپ: اول.
- انور فؤاد ابی خزام، (۱۹۹۳ م)، معجم المصطلحات الصوفیه، ۱ جلد، مکتبه لبنان الناشرین - بیروت، چاپ: اول.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (۱۳۷۴ هـ ش)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، چاپ: اول.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۹۵۹ م)، انساب الاشراف، معهد المخطوطات بجامعه الدول العربیه باشتراک مع دار المعارف بمصر.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۸۸ هـ ش)، مباحثی در علل الحدیث به ضمیمه بازشناسی متن مصباح الشریعه، انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع) - تهران، چاپ: اول.
- جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، (۱۴۰۰ هـ ق)، مصباح الشریعه - بیروت، چاپ: اول.
- _____، (۱۳۶۰ هـ ش)، مصباح الشریعه، ترجمه مصطفوی - تهران، چاپ: اول.
- حارث بن اسد محاسبی، (۱۴۲۰ هـ ق)، الرایه لحقوق الله، ۱ جلد، دار الیقین - مصر، چاپ: اول.
- _____، (۱۹۸۶ م)، القصد و الرجوع الی الله (الوصایا)، ۱ جلد، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ: اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ هـ ق)، وسائل الشیعه - قم، چاپ: اول.
- حکیم ترمذی، (۱۴۲۲ هـ ق)، غور الامور، ۱ جلد، مکتبه الثقافه الدینیّه - قاهره، چاپ: اول.
- خمینی، روح الله، (۱۴۰۹ هـ ق)، المکاسب المحرمه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم - ایران.
- درایتی، مصطفی، (۱۳۸۸ هـ ش)، فهرست واره دست نوشته های ایران (دنا)، تهران.
- رفیق عجم، (۱۹۹۹ م)، موسوعه مصطلحات التصوف، ۱ جلد، مکتبه لبنان الناشرین - بیروت، چاپ: اول.
- روزبهان بقلی شیرازی، (۲۰۰۸ م)، تفسیر عرائس البیان فی حقائق القرآن، ۳ جلد، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ: اول.

- زمخشری، محمود بن عمر بن محمد بن ابوالقاسم، (۱۴۱۲، ۱۹۹۲ م)، ربیع الابرار و نصوص الاخبار، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اولی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۷۹ هـ ش)، الرسائل، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول.
- عبدالوهاب شعرانی، (۱۴۲۵ هـ ق)، تنبیه المغترین، ۱ جلد، مکتبه الثقافه الدینیة - قاهره، چاپ: اول.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، (۱۹۰۵ م)، تذکره الأولیاء، ۲ جلد، مطبعه لیدن - لیدن، چاپ: اول.
- _____، (۱۴۳۰ هـ ق)، محمد الاصلی الوسطانی، تذکره الأولیاء (الوسطانی)، ۱ جلد، دار المکتبی - دمشق، چاپ: اول.
- فیض کاشانی، محسن، (۱۴۲۳ هـ ق)، الحقائق فی محاسن الاخلاق، ۱ جلد، دار الکتاب الاسلامی - قم، چاپ: دوم.
- _____، (۱۴۱۷ هـ ق)، المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ۸ جلد، موسسه انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین - قم، چاپ: چهارم.
- قیسرانی، محمد بن طاهر، (۱۴۲۷ هـ ق)، صفوه التصوف، ۱ جلد، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ: اول.
- کاشانی، عبد الرزاق، (۱۳۸۰ هـ ش)، مجموعه رسائل و مصنفات کاشانی، ۱ جلد، میراث مکتوب - تهران، چاپ: دوم.
- _____، (۱۴۲۶ هـ ق)، اصطلاحات الصوفیه، ۱ جلد، دار الکتب العلمیه - بیروت، چاپ: اول.
- _____، (۱۴۲۶ هـ ق)، لطائف الأعلام فی إشارات أهل الإلهام، ۲ جلد، مکتبه الثقافه الدینیة - قاهره، چاپ: اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ هـ ق)، الکافی (ط - الإسلامیه) - تهران، چاپ: چهارم.
- گریفینی، اوجینیو، (۱۹۱۱ م)، المخطوطات العربیه بمکتبه الامبروزیانا بمیلانو - ایتالیا، میلان.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ هـ ق)، بحار الانوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم.
- محمد قاسمی، حمید، (۱۳۸۰ هـ ش)، اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان های انبیا در تفاسیر قرآن، تهران، چاپ اول.

- محمود حمدی زقزوق، (۱۴۳۰ هـ ق)، موسوعه التصوف الاسلامی، ۱ جلد، وزاره الاوقاف المجلس الاعلى للشئون الاسلامیه - قاهره، چاپ: اول.
- محیی الدین بن عربی، (۱۴۲۶ هـ ق)، رسالتان فی سر الحروف و معانیها، ۱ جلد، المكتبه الازهریه - مصر، چاپ: دوم، ابن عربی.
- _____، الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، ۴ جلد، دار الصادر - بیروت، چاپ: اول، _.
- نسخه‌ای از مصباح الشریعه مربوط به زیدیان یمن به سال ۱۰۳۴ هـ ق.
- نسخه خطی کتابخانه سپهسالار به شماره ۱۷۹۰ که به سال ۱۰۸۲ هـ ق نگاشته شده.
- نسخه خطی کتابخانه سپهسالار به شماره ۵۵۵۹ که به سال ۷۱۶ هـ ق نگارش یافته.
- نسخه خطی کتابخانه هاروارد مربوط به پیش از سال ۹۱۱ هـ ق.
- نسخه کتابخانه مجلس مربوط به سال ۹۵۹ هـ ق.
- نسخه‌های خطی دررالثالی العمادیه ابن ابی جمهور (۹۰۱ هـ ق)
- نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ هـ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - قم، چاپ: اول.